

روزنامه وقایع اتفاقیه تایید و تصحیح و تنظیم و چاپ در روز پنجشنبه هجری ۱۲۸۱

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
یک خط از چهار خط یک چهارم  
بیشتر با هر خط یک



نزدیک حبیب و بیخ  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی  
و تومان و چهار هزار

### اخبار و احداثیه مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته سرکار اعلیحضرت پادشاهی دربار  
الماس نشسته باسلام عام دادند انسانی دولت  
عالیه و مقربان حضرت کردند و نسیب سینه و ضامن  
نظام و سایر اهل سلام شرفیاب حضور مبارک گردید  
هر یک در مرتبه و مقام خود ایستادند و عالیجاه و  
که نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مؤید اله و له  
فارس بافتخار منبند رعباسی بخاک پای مبارک فرستاده  
بود و در بین سلام شرفیاب حضور مبارک گردید و فتحنا  
بند و نور و در حضور جایون خوانده شده و صد میره  
و مسجد نقر زنده که در جنگ دستگیر گردیده بودند  
سرکار با اسب پیشکش که نواب معزی الیه فرستاده  
بود از حضور مبارک گذرانیده و آنها را که در جنگ  
شده بودند معروض پیشگاه جایون گردید که در عقب اند  
ه این روزها وارد خواهند کردید

وزندیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی و مقر  
سلطنت عظمی معاودت فرمودند  
این روزها نظر بشمول رحمت ملوکانه در باره مقرب الخاقان  
عین الملک از جانب سنی انجوان ملوکانه یک کتب کلید  
خوار از ملوک سنی مبارک با تقوا مقرب الخاقان  
شار الیه خلعت محبت و عنایت

محمد علیخان بختیاری مدتی بود که بنای هرزگی و شرارت  
گذرانیده و زرا که بسیار محکم است محکم خود قرار داده  
بود و ماطمینان حصانت قلعه فرورده هر روز صد میره  
شده چنان میدانست که محاصره و گرفتن در امر بسیار  
و آنجا را نمیتوان تصرف کرد این اوقات امیرزاده  
ابراهم میرزا سخته رفیع دفع انار هرزگی او جمعیت و  
استعدادی فراهم آورده باد و پست نفر از فوج عالی  
محمد مرادخان سرسپ و خود عالیجاه شار الیه روان  
طرف در زنده بودند و بختیاری هم تا کی که  
بودند که بطرف در بیاید با جمعیت خود پس از آنکه امیرزاده  
با فوج و جمعیت بختیاری وارد آنجا شده بودند با آنکه

۱۳۱۳

جای بسیار محکم و کوه بسیار صعبی بوده است حکم مجازة در نوشته بودند در شهر ربیع الاول خود عالیجا پشایی  
 فرود آمد روزی در پای قلعه فرورده بنای مجادله گذاشته بیلوک بر خوار رفته قرار سنق استخار موافق قاعد داده  
 بوده اند و راه ورخته که بوده است همه روز از دست کمال مهربانی و دلجوئی در باره رعایا بعمل آورده مرا  
 محمد علی خان نجیب ساری گرفته تا دروازه در سنکر زده و بشهر کرده است و بعد از آن در شهر ثانی شهر فرور  
 هر طرف راه آنها را مسدود کرده بودند و تا سه چهار روز بیلوک لیجان و لیجان رفتن کل دوات این  
 بهین منوال غرضه را بر محمد علیخان و جمعیت او تنگ کرده و بیلوک را مسرکشی نموده قسرا نسق آنها را بطور شایسته  
 چهارشنبه شانزدهم شهر ربیع الاول قفقزچی و میرزا که با امیرزاده بوده اند بصوابه امیرزاده شش ساعت  
 شب گذشته پورش برده دروازه که محل ششمن خود محمد علیخان بوده است گرفته بودند و بعد رست نفر جمعیت محمد علیخان  
 مقبول و زخم دار شده بودند محمد علی خان بعد از مشاهده این احوال تاب مقاومت نیاورده همان شب با سیاهان  
 خود از قلعه در سپاهین انداخته فرار کرده بود و لکن امیرزاده برایم میرزا تا صبح بر فرار کردن او مطلع شده بودند  
 بعد از آنکه اطلاع یافته بودند فردای آن شب چند نفر از تفنگچی حینقلی و آن راعقب او فرستاده بودند بلکه  
 او را بگیرند مشا را الیه سم تا عصر آنروز با جمعیت خود مستافت او رفته اثری از او نیافته بود بعد از آن امیرزاده  
 را برایم میرزا اللهیار خان را با دو سیت نفر تفنگچی خود و صد نفر تفنگچی حینقلی خان روانه کرده بودند که بکوه کرسیرا  
 رفته در هر جا که هست محمد علیخان را بدست آورده

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته عالیجاه چراغعلیخان نایب حکومت اصفهان در نظم و نسق بلوکات اصفهان کمال استقامت دارد از جمله

نوشته بودند در شهر ربیع الاول خود عالیجا پشایی  
 بیلوک لیجان و لیجان رفتن کل دوات این  
 داده است و قنواه در وادی که فی الجمله تنقیف لازم است  
 داده است تنقیف نموده اند از جمله مادی گرگین که در  
 لیجان واقع است و سالهای سال بوده است که  
 ان مادی به سواری جاری می شده است مبالغی از  
 خود خرج آنجا کرده تا آب را بهسولت جاری ساخته  
 و سبب بهین عمل امالی آنجا را مستفیع شده اند و  
 در مادی شتر جان باغ و خوش مبالغی خرج کرده تا  
 آب آنجا را هم طوری کرده اند که بهسولت جاری شده است  
 و مردم آنجا ازین بگذر یکسوع اسودگی حاصل کرده اند  
 از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعد از آنکه  
 خبر فوت مرحوم امام جمعه دارالخلافه طهران با آنجا رسیده است  
 عالیجاه چراغعلیخان نایب حکومت اصفهان بجزر اکامی  
 او هم فرستاده تمامی بازار و دکانین بسته خود با تمامی  
 مجال و مباحثین دیوانی مسجد جامع رفته با جناب امام جمعه  
 اصفهان مشول تعزیه داری شده اند و عالیجاه مشا را الیه  
 تا سه روز مجلس تعزیه داری برپا کرده هر روز از مال خود ششاد و خواجه  
 هزار و در مجلس تعزیه داری نموده و درین سه روز در  
 کمال خوبی و پاکیزگی لوازم تعزیه داری را بعمل آورده است

۱۳۱۴

### استرآباد

چون مقرب الخاقان محمد و لیخان بیکر کی استرآباد در  
 نظم امور ولایتی و امنیت آن حدود و دفع و رفع آثار  
 شرارت و هرزگی طایفه ضاله ترکمانین و حفظ تعویذ  
 کمال مراقبت و اهتمام خود را ظاهر ساخته محاسن این  
 خود را پیش این پیش منبصه ظهور رسانده بود لهذا این اوقات  
 از جانب سنی احوال سرکار اعلیحضرت شاهی  
 یک قبضه شیر براق طلای کل مرصع بافتخار عالیجاه  
 مشارالیه رحمت و عنایت گردید

### خراسان

از فراری که در روزنامه خراسان نوشته اند جناب آقای  
 کلانی که چندی پیشتر بعد از تصرف کلات فرار کرده اند  
 بجنوب رفته بود از آنجا مراجعت کرده بقرایاب آمده و  
 قریب یک هزار نفر سواره قرایابی همراه خود برداشته  
 بدور کلات آمده است و خواست است از راهی که  
 چند نفر سرباز در آن راه قراول بوده است و چنان  
 کلمات شود سربازان مرز بوجبر درآمده بنای شلیک  
 بودند خسر بعالیجاه میرزا ابراهیمخان سمرقند رسیدند  
 قدری سرباز بکوک آنها فرستاده بود قریب پنج شصت  
 سرباز را دعوا کرده با اینکه شب بود است شکست فاش  
 بسواره مرز بوره داده و همه را متواری ساخته و مخفی  
 از آنها را بقتل رسانیده بودند و چند نفر از آنها را زخمی  
 کرده بودند عالیجاه میرزا ابراهیمخان سمرقند آن  
 سربازان را بقتل رسانیده و نواب مستطاب شاهزاده  
 چشم و الاتبار فرمانفرمای مملکت خراسان فرستاده

و پنج نفر از آدمهای جنف آقا از مرز او فرار کرده روز  
 ۲۴ ربیع الاول خدمت نواب معزی البه آمده از فرار  
 عرض کرده بودند یک برادر جنف آقا هم زخم کلوله برداشته  
 و در حالت نزاع بوده و زیاده از یکصد نفر هم از سواران  
 او زخمی شده اند

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده چشم و الاتبار  
 مملکت خراسان درین اوقات مشغول دیدن سان علامان  
 عراقی و خراسانی میباشند و قدغن نموده اند که سان  
 آنها را لشکر نوابان بدقت دیده موجب آنها را  
 پروازند و در اسب و اسلحه و تدارک هر چه نامانمی داشته  
 باشند تهیه و تدارک نمایند که در وقت ماموریت بگذرد  
 هیچ معطلی در تهیه و تدارکات آنها نباشد

### عربستان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب  
 شاهزاده و الاتبار احتشام الدوله در ماه گذشته  
 سمت عربستان حرکت نموده در روز دهم وارد خرم آباد  
 و در ۱۱ از آنجا سمت عربستان حرکت کرده اند  
 دیگر نوشته اند که دولت نفروچ مراغه که بر حسب امر اولیا  
 دولت علیه امور خدمت نواب مستطاب احتشام الدوله  
 بودند در حینت و یکم ماه گذشته وارد برد جرد شده اند  
 که از آنجا روانه عربستان شوند و چون در عرض راه  
 بهم میرسید قبل از ورود آنها حسب حکم نواب شاهزاده  
 احتشام الدوله سیورسات این سرباز و سیورسات  
 فوج خدایند لورا که مامور عربستان مستند در عرض راه  
 کرده اند که معطلی در راه نباشد

۱۳۱۵

### کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند که  
 و شکور یک فرستادگان جناب سردار کندیل خان  
 حکم آن قندار که عریضه بدر بارگایون می آوردند در  
 کرمان امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکم آن  
 یزد و کرمان آنها را احکام داده نگاه داشته و عریضه آنها  
 بدر بارگایون روانه نموده بود درین اوقات که جواب  
 عریضه آنها رسید مقصی المرام نسبت قندار هم حسب  
 کرده اند و امیر الامراء العظام سردار اخراجات و انعام  
 و قیمت اسب و شتر با آنها داده و از جانب دولت  
 علیه لوازم القضاة را در باره آنها معمول داشته در ۹ ماه  
 ربیع الاول از انجا محض و دست نموده  
 و بگرفته نوشته بودند که در باب ان نظام امر چاپار خانها  
 الولايت و سرحدات انجا امیر الامراء العظام سردار  
 نهایت اتمام را معمول داشته آنچه متعلق بنجا ک کرمان  
 خود مضبوط نموده اند و جناب سردار کندیل خان  
 و عالیجاه علیخان نیز نوشته اند که چاپار خانهای مستحق  
 بنجا که خود را مضبوط نمایند که بجهت چاپار و وصول و ابصار  
 مکاتیب و غیر معطلی حاصل نشود  
 و بگرفته نوشته اند از پار سال الی این اوقات باران  
 در الولايت نیامده بود و انالی انجا قریب تسویش بودند  
 در ماه ربیع الاول نزول رحمت خداوندی در الولايت  
 شده بارانی بسیار بوقوع و با منفعت یک شبانه روز  
 متصل باریده زیاده باعث اسید و آرنی انالی انجا  
 تقدیم شکرانه و شادمانی نموده اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه عبدالعزیز یک یا در توپخانه بنجا  
 با یک عراوه توپ ۱۲ پوند و قورخانه که از دربار گایون  
 اتفاق شده بود در ماه گذشته وارد کرمان گردیده اند  
 و چون قبل از وصول آنها امیر الامراء العظام سردار قورخانه  
 مضبوطی نسبت بندر عباسی فرستاده بود احتیاج  
 فرستادن این قورخانه نشده است مگر دوازده با  
 کلو ۳۲ پوند و چهاره و بار و مطحوب دوازده  
 نفر قورخانهچی با همان دوالی که از دار انخلاف قورخانه بنجا  
 حمل کرده بوده اند از انجا کرایه داده روانه بندر عباس  
 از قرار یک نسیب انجا کس کرمان را نوشته اند در ربیع اول  
 کدم هجده کچورار سه تومان و پنجزار  
 کدم بیست و یک کچورار سه تومان  
 جو کچورار دو تومان و دوریال  
 گاه کچورار چهار هزار و پانصد  
 نان کچورار سه تومان و دوریال  
 گوشت یک من هزار دینار  
 روغن یک من سه هزار و پانصد  
 نبات یک من شش هزار و دویست  
 قند نباتی یک من هفت هزار و دویست  
 قند وسط یک من شش هزار  
 قند اسی یک من هزار  
 شکر یک من چهار هزار و شصت  
 برنج اندونی یک من یک هزار و صد دینار  
 برنج چنبا یک من هفت دینار

۱۳۱۶

### اخبار دول خارجه

انگلیس در اخبار این مملکت نوشته اند که پیش  
که این مملکت رسیده بعلیا حضرت پادشاه این  
عریضه نوشته و مستدعی شده اند که اذن بدو  
انولایت نیز مشورتخانه مانند ولایت انگلیس بر او بنیدند  
و حاکم آنجا نیز که جانشین پادشاه است اذن کشوند  
مشورتحانه و محبت و مشورت در امور آنولایت در مشور  
منزور داشته باشد در این اوقات فرمان پادشاه  
در بطون عرض آنها با آنولایت رسیده و مشورتحانه  
گشوده شده است و چونکه خیر و صلاح مملکت را در این  
میانند باعث افتخار و شادمانی کنانی آنجا شده

تاریخ کاغذ آخر که از لندن رسید چشبه بیست چهارم  
صفر بود درین وقت سال هجده حاکم تازه بجهت شهر  
معین میشود و قاعده است که وزیر و ایلیان همه همان  
حاکم منور میشوند اما اسم بر حسب قانونی که دارند  
این منیافت با کمال نیت و اساس است

### فرانسه

در روزنامه این ولایت تاریخ بیستم ذی حجه بود  
که ناخوشی و با در آنولایت بسیار کم شده بلکه با نمره  
رفع گردیده بود از جمله چیزهای غریب که اخبار و آنجا  
گروه اند یکی این است که خیلی مردم از خوردن کافور  
شده اند اطباء در فرنگستان کافور را مانع سیرت میگویند  
مسدی میدانند ازین سبب مردم در فرانسه در ایام  
ناخوشی منور بهم کافور در میان رخت خود میکشیدند

و هم در میان عرق آب کرده میخورند و دیده اند آنکه در  
کافور خورده بودند مدتهاشان عیب کرده بود و لکن در  
این ناخوشی جوهر کافور را بجهت معالجه مفید دانستند  
که یک قطره جوهر کافور در روی قند ریخته در سیرت  
بر بیض میدادند تا بیض گرم شده عرق میکرد و صحت با

در باب گفتگوی بین این دولت و دولت جمهوری  
شمالی در خصوص موسیوسوله که تفصیل آن در روزنامه  
گذشته نوشته شد از فرار روزنامه که تازه رسیده  
از فرار روزنامه که تازه رسیده است به انگلیس  
ریا و دولت فرانسه متعهد شده اند که حاکم آن سمت

فرانسه که پاوه کلی مینامند و وزیر مختار منور را خبر کرده  
بود که از آنجا برود از حکومت آنجا بر دارند و بنا بود که  
دولت فرانسه از دولت جمهوری یونانی و نیای شمالی  
عذرخواهی نمایند و لکن هنوز معلوم نبود که دولت یونانی  
شمالی عذرخواهی دولت فرانسه را قبول نمایند یا نه در  
یکی از روزنامه های آنجا که سیرت مینامند نوشته اند

که گفتگوی ما بین دولت اسپانول و نیای  
شمالی بوساطت دول دیگر بطوری با صلاح انجامید که  
بنا بود موسیوسوله مراجعت بملکت اسپانول نماید  
و درین راه اراده داشت که چند روز در قصبه  
که وطن او بود توقف نماید که اقوام خود را که چند سال است

نزیده است و بدن نماید  
احوال است مظهره

در شهریان مملکت فرانسه بکطافه شان بجهت زوج میرا

۱۳۱۷

اتولایت یافته اند که چهل هزار فرانک که تخمیناً جمعا  
هزار تومان پول ایران باشد تمام شده است و نشان  
دولتین انگلیس و فرانسه را در آن باقی مانده

در تابستان گذشته پادشاه پروسیه ارکاکسکه افتاد  
پایش قدری معیوب شده بود اطباء و جراحان صلاح  
دانسته بودند که کنار دریا رفته باب شور دریا آب تنی  
کامیاب مدتی در کنار دریا بود و لکن چندان فایده از آن  
معاوجه ندیده بود

در روزنامه دولت جمهوری یونانی و نیای شمالی نوشته  
که در یکماه انقدر خانه و انبار آتش گرفت است که خلق  
چهار ملیان و الاری که تخمیناً هفت کرو و صد هزار  
تومان پول ایران باشد متضرر شده اند

در روزنامه هند نوشته اند که استالینی مختاری یکی از تجار  
دولت انگلیس و یکی از جانب دولت فرانسه و یکی از  
جانب دولت جمهوری یونانی و نیای شمالی بشهر انگلیس  
چین رسیده بودند و بنا داشتند چه یکین با یکی تحت  
چین بروند که عهدنامه که سابقاً بسته شده بود دوباره  
تجدید نموده و قرار دهند سره ایچی هم بنا گذاشته  
بودند که بر غایبای خودشان قدغن نمایند که با جنگ با چین  
یا عیان و پادشاه چین هیچوجه دخل و تصرف نتوانند  
اعتشاش آن مملکت بسیار تاثیر با مورات تجار کرده است  
حساب کرده اند که درین سال داووسند تجار چهار  
کمر از سالهای دیگر کرده است و بسیار هم متضرر شده اند  
سبب اعتشاش درین ولایت در اول جنگ با چین  
و پادشاه چین اکثر اهل دول خارج خیر خواه یا عیان بودند

و امید داشتند که اگر با عیان تسلط بیابند کار اولایت  
بهنتر راه برد و حال می بینند که هر طور که باشد باز نطمی که  
سابق داشتند بهتر از اعتشاش این ایام بود و هر طور  
غالب بیابند نظم سابق تا چند وقت دیگر قرار نخواهد  
تاریخ کاغذ اخر که از چین با انگلیس سید اخر ماه ذی قعدة بود

سیاحتی از فرانسه که در جزیره مدی کسک سیاحت کرده است  
درین روزنامه است بولایت فرانسه کرده چند تخم مرغ  
همراه خود آورده است و لکن مرغی که این تخمها را گذاشته  
ندیده بوده است و این تخمها بزرگ اند بقدریکه تخم سبزه  
از تخم مرغ خاکی بزرگتر است این تخمها هم از تخم شتر مرغ  
هفتصد برابر بزرگترند

اعلانات

کتابهای چاپی و اصلاحیه طهران که در کارخانه چاپی  
باسمه چی در محله رزکب دروازه دولاب چاپ شده  
از اینتر فروخته میشوند

وسایل بافرت یک جلد ده تومان  
خسته نظامی دو تومان و پنجاه  
سرایر دو تومان  
زبده المعارف دو تومان  
معراج العاده یک تومان

روزنامه قایم اتقاویه بتایخ پوچم خست ویکرمه رجب انی مطابق سال بارسیل ۱۳۷۱

نزدکیت و شش  
قیمت روزنامه  
یک نسخه به هر یک  
۵۰ تان و چهار هزار



منطقه دارا خلاق طهران  
قیمت اعلانات  
کهرزانه  
بسطه اخبار  
دیشد پنجر  
بسیار با هر روز

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

اینده مندرج خواهد شد

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بجهت  
ظلمت و تری هوا غمیت تفرج و سیاحت اطراف  
دارا خلاق مبارکه را فرموده سوار گردیدند و تا حوالی عبود  
سیاحت ساعات اطراف مشغول بودند نزدیک  
افتاب مبارک که سالمانی و تسلط غنچه  
فرمودند  
در روز سه شنبه گذشته سرکار اعلیحضرت پادشاهی  
میل شریف فرمایند رسد و از العون فرمودند که نفس  
انفیس مایون توجه ملوکانه با حوال متعین مد رسد  
و از حالت تحصیل و ترقی هر یک از آنها خاطر مبارک پادشاهی  
قرین آگاهی شود ازین نوع مراتبهای بزرگ و عمد که  
در کار مد رسد میشود امیدواری زیاده حاصل است  
که در اندک وقتی شاگردان متعین هر علمی از علوم بسیار  
کمال برسند و قابل رجوع خدمات عمده دولتی شوند  
تفصیل احکام و فرمایشهای ملوکانه و تشریح احوال  
دولت علیه بهر طور که مقرر شده باشد در روزنامه

درین اوقات بعد از آن بارندگی که در روزنامه  
نوشته شد باز سه چهار بارندگی کامل بسیار خوب  
بوقع در دارا خلاق طهران و اطراف گردیده بطوریکه  
برای زراعت کاران امیدواری کلی روی داده و  
تولش کرانی اطمینان و آسودگی کلی حاصل شده و این  
بارندگیهای متوالی که بموقع آمد تاثیر بسیار در تسخیر اجناس  
بهم رسیده و نسبت بسایرین هر گونه جنس نهایت فوراً  
دارد و هوای دارا خلاق طهران در نهایت لطافت و جو  
دوسه روز است که با قضا فیصل هوای سرد  
گردیده است و بچ خیزش در روی آب بسته میشود ولی  
هنوز بطوری که بنحاله را آب بندند و بچ بگردند  
سایر ولایات

سایر ولایات

دارا المرز از فرزند در روزنامه این ولایت نوشته  
نواب شاهزاده احمد میرزا و عالیجاه مقرب اعلیحضرت اخبار  
میرزا اسد الله درین اوقات دارد بده ساری گردید  
و محل حکومت خود فرار گرفته اند و سبب اهل بازندان از

۱۳۱۹

Handwritten note or signature in the left margin.

حسن سلوک تو ایستاده و عالیجا میرزا اسدالله بهشت  
رضامنذی و شکرگذاری دارند و امیدوارند که روز بروز  
بر حسن سلوک خود افزوده امالی آولایت را قریب آسودگی  
دارند

دیگر نوشته اند که از ششم این ماه الی یازدهم باران  
بسیار خوب در مازندران آمد بطوری که از جمیع رودخانه  
آب جاری شده و رعایا ازین مرحله زیاده مشغول  
و شکرگذاری کرده اند و بکار شیار زمین و تدابیر  
زراعت مشغول میباشند

دیگر نوشته اند که عالیجا مقرب انخاقان میرزا علیخان  
سرتیپ فوج خواجه وند و عبدالمملکی در امورات معلومه  
کمال نظم را معمول دارد و طایفه مزبور که همیشه  
بشرارت و افساد بودند و بجا برین و مترو دین آن  
ست اندازی میکردند درین اوقات از اتهامات  
عالیجا مستراحیه احدی از آنها یاری حرکت خلاف  
مبارک و دهکی با نهایت انتظام حرکت می کنند و امالی آن  
اطراف ازین صوره کمال آسودگی دارند

عربستان و پرو

از هزار یک در روزنامه پرو جرد نوشته اند تعبیر اخبار  
در آولایت رو بترقی بود و مردم بجهت کسالی و بنیادین  
باران تشویش زیاد داشتند اما بعد از آنکه باران کمال  
در آولایت آمد امیدواری کلی برای امالی اینجا حاصل گردید  
رفع تشویش مردم شده جنس بهمان تعبیر که بود دیگر  
ترقی نکرد و امیدوارند که باران دیگر اگر بیاید ازین  
هم که دارد تزلزل کند با بجز بارندگی مزبور بسیار باعث آسودگی

امالی آولایت شده است  
کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند در ماه ذیحجه  
ضعیفه جو سیه بشرف اسلام مشرف شده و امیرالاعظم  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان خرجی با و داد  
بزیارت ارض مقدس رفت بود بعد از مراجعت از  
زیارت نه نفر از اولاد و خویشان خود را ترغیب به  
اسلام نموده بهمکنی بشرف اسلام مشرف شده اند  
و امیرالاعظم امیرالاعظم سردار رعایت حال آنها را  
نموده اخراجات یکساله با آنها داده با کمال شکرگذاری  
مشغول رعایت و امداد دولت قوی شوکت هستند

دیگر از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
امیرالاعظم امیرالاعظم محمد حسن خان سردار حکمران  
یزد و کرمان در انتظام امر آولایت اهتمامات  
کافی معمول داشته و در نظم شهر و محلات و حفظ  
طریق و سواران و سردار است بطوری اهتمام نموده  
که راهها نهایت امانت دارد و قافله با آن راهها  
و کمال اطمینان و خاطر جمعی و دعا کونی عبور  
و مرور می نمایند و در شهر و محلات و بلوکات  
بزرگی حدت و یاری حرکت خلاف قاعده ندارد

دیگر نوشته اند در باب فرستادن قشون  
به بندر عباس که تقصیل آن در روزنامه های  
سابق نوشته شده است امیرالاعظم امیرالاعظم  
بطوری اهتمام نموده بوده اند که از روز حرکت

۱۳۲۰



مقرب الخاقان عبد الله خان میرپنج نسبت  
 بندر مزبور تا ورود باخدا در هر یک از منازل  
 علی التوالی تفکیک و کویک و آذوقه بار دوی مزبور  
 ملحق می شده است و روز بروز جمعیت اردوی  
 مزبور زیاد تر و آذوقه بیشتر میگردیده است و  
 نهایت کفایت و کار دانی را در فرستادن  
 قشون مأموره بقاعد نظام لعل آورده است  
 چنانچه در اردوی مقرب الخاقان عبد الله خان  
 میرپنج جنس از همه جای آن اطراف بیشتر وارد  
 بوده است

### خراسان

از قریب یک در روز نامه خراسان نوشته اند  
 در املاک موقوفی سرکار فیض آثار بعضی ضمیمه  
 آن سرکار دست تصرف قوی کرده بودند  
 بطوریکه هر کس بهر جانی را که در تصرف داشت  
 خود را مالک باستحقاق آنجا میدانست حتی در  
 قبایل زوجات خود می انداختند و درین اوقات  
 مقرب الخاقان وزیر نظام در بن خصوص وقت  
 کامل نموده هر کس هر قدر مقرری داشته نقداً  
 جنتا باد میسراند و باقی منافع محصول املاک  
 مزبور در تصرف منست و تفسیر صحیح دیوان و  
 غیره خود حضرت و اظام فخر او ساکنین میشود  
 و خدای که سبب اجحاف سایرین سبب خود میسرند  
 درین اوقات ازین شرار داد نهایت ضمانت  
 و شکر گذاری دارند

و بیکر نوشته اند که سابقاً معمول بود که غله در اینبار  
 سرکار فیض آثار جمع و اینبار می شده و اینمضی معایبی  
 داشت لهذا مقرب الخاقان وزیر نظام قرار اینبار  
 موقوف کرده و قرار گذاشته اند که آنچه محصول  
 املاک موقوفی سرکار فیض آثار راست بقیمت عادلانه  
 وقت بخلق فروخته شود و تحوای آن مصارف شخصی خود  
 سرکار فیض آثار برسد

و بیکر نوشته اند که فوج کروی که بقراول خانهای رض  
 اقدس مأمور شده بودند نسبت بقراولهای سابق  
 و قرار دانی که مقرب الخاقان وزیر نظام در امر قراولی  
 گذاشته بود قدری بیروم بدستور کی کرده بودند  
 وزیر نظام سرتیب و صاحب منصبان آنها را حضراً  
 مدعین نموده بود که از قراول سابق تخلف نمایند و بهان طوری  
 که قراولان سابق رعایت کسب را موقوف شان و منظور شده اند آنها  
 منظور دارند و اگر بعد ازین خلاف حساب یا بی احترامی و بدستور کی از آنها  
 نسبت بکسی سرزنش نمود و مواظده و تنبیه باشد

و بیکر نوشته اند که ازال شخصی سراتی چندی قبل ازین بیست و چهار  
 ابره بزرگ بزرگه در ارض اقدس سیرت برده بودند مشارالیه  
 بمقرب الخاقان وزیر نظام عرض نموده و بگمانترو دار و عد قدغن شده  
 بود که حکما مال او را پیدا نمایند یا از عمده قیمت آن برابند و درین  
 اوقات معلوم شده بود که بر کهارا شخصی سبزواری  
 سیرت نموده و برده در دزدانها بوسیله سیرت  
 حسب احکام فرستاده بر کهارا بعینه با آن شخص سابق  
 آورده بر کهارا البصاحبش تسلیم و سارق را تنبیه  
 مضبوط کرده اند

۱۳۲۱

### کردستان

از قرار که در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب  
 وزیر نظام در نظام امر آنجا اتهامات کافی معمول  
 و امالی انولایت خصوصاً اهل ارض اقدس قرین کمال  
 رفاه و امنیت هستند و راه شرارت و دزدی شراب  
 محکم بسته است و اگر اجناس مالی از کسی سبقت برد  
 حکم دارد و غده که خدایان یا پیدا می کنند یا از غده  
 و مردم از این جهت نهایت شکر گذاری دارند  
 دیگر از قرار که تعمیر اجناس ارض اقدس را نوشته  
 بجهت نسبت بعضی مالک محروسه نهایت دفرود  
 از زانی را دارد از جمله کتدم خرواری یازده هزار و آرد  
 خرواری سیزده هزار و نمان خرواری سیزده هزار و جو  
 خرواری شت هزار و پانصد دینار و برنج رسی بکن  
 هفتصد دینار و برنج عنبر بویک من چهار عباسی و گوشت  
 بکن چهار عباسی و سایر اجناس را نیز که مفصلاً نوشته  
 بهین فرامی نطقه تعبیر دارد

و دیگر نوشته اند که رودخانه بزرگی نزدیک بسنج میگذرد  
 که آنرا رود قشلاق مینامند و در اوقات طغیان آب عبور  
 سواره و پیاده از آنجا میگذرند است مرحوم امان الله خان  
 والی سابق علی در آنجا ساخته بوده است ولی برودت نام ولی  
 اتهامی حکام بعد که تعمیر آن را آن علی نکرده بودند کم خراب و  
 قدری هم که باقی مانده بود در سال گذشته که آب طغیان  
 نمود بالمد از جیان کنده و برده بود مقرب آنجا خان والی  
 امسال محض رفاه غایب و مترددین و حصول دعا کونی  
 ذات اقدس همایون خارج نموده و علی در کمال استیجاب  
 و خوبی ساخته است که بتصدیق امالی آنجا محکمتر از پیش  
 اول است و مترددین ازین حصد آسوده خاطر و دعا  
 و آن اقدس به حال پادشاهی میباشند

و دیگر نوشته اند ضعیف در صحیح مقدس آمده مقرب آنجا خان  
 وزیر نظام عرض کرد که اسبابی از خانه من سبقت برده اند  
 و رد پای و زود از هیچ طرف معلوم نیست مقرب آنجا خان وزیر  
 نظام اسباب او را گفته بود سیاه کرده بودند تخمیناً  
 یازده تومان و کسری بوده است حکم کرده بود که داروغه  
 یا سه روزه پیدا نماید یا از غده و جبه آن برآید داروغه  
 رفته بهسایگان اطراف آن خانه گفته بود که حکم وزیر نظام  
 این است که اسباب این ضعیف از هر خانه که برور بکنند آن  
 خراب نمایند شب اموال ضعیف را تمام و کمال آورده بخانه  
 ریخته بودند

۱۳۲۲

# روزنامه قایم القایم سیاحت یوم خورشید و مابین بیعین و بیعین سال ۱۳۷۱

نزد دولت وقت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دوازده ریال  
و تومان و چهار هزار



منطقه و اصلاح طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار خطی یک ریال  
بسیار با هر خط

## اخبار و احکام محروم پادشاهی

### و اصلاح طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی عریض  
تفریح و شکار فرموده سوار شدند و تا حوالی عصر  
اطراف مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بار  
مبارک سلطانی و مرسطنت عظمی مراجعت فرمودند

چون جناب نظام الملک نایب مبارک تعظیمی و  
دویم دولت علیه ایران در انجام خدمات دیوانی و  
بکل محاسبات مراتب کفایت و کاروانی خود امشود  
و با طریقه پیشگاه حضور مهر فرمود خیر و انی داشته و طرز  
و خدمتگذاری او که همه اوقات مصروف خدمت دولت  
جاویدت علیه است در نظر اقدس هیاتون سرکار  
اعلیحضرت پادشاهی محسن و مقبول افتاده در این اوقات  
نظر بظهور فوراً مراسم طوکانه بکثرت خرقه خرابه  
از بلوس خاص بدن مبارک بجناب معظّم البه خلعت  
رحمت فرمودند که هر روز با همان خرقه سلام حاضر  
شده و بد لکرمی در رسیدگی محاسبات و سایر خدمات

دیوانی خاطر هیاتون رئیس انجمن راضی و خوشنود

چون نواب عماد الدوله امین میرزا حکمران کرمان  
در جمیع خدمات دیوانی و انتظام آن ولایت کمال اهتمام  
نموده بود و خاصه بهتر از همه سکه جدیدی تدبیر کرده بود که  
امپریال استرلی دوره تجسیر و صیقلی دو تومانی که کردی  
آن ضرب آن ولایت سگوک بود و بکروی دیگر آن تصویب  
هیاتون مزین بود و این معنی بسیار در خاکهای اعلیحضرت  
شاهنشاهی مطبوع و مستحسن افتاد و لهذا موازی بکثرت  
کلیجه زر از بلوس بدن مبارک برای نواب معنی البه  
خلعت مرحمت و انقاد گردید

در این اوقات چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته  
شده چند دفعه باران متوالی و در اصلاح طهران و اطراف  
آن و هوای بسیار لطیفی دیگر ملائمت داشت اما چند روز  
که بک دفعه برف جزئی آمد و بعد از آن هوا سرد شد است  
بطوری که در پنجاه آب انداخته و بیخ میگیرند

در نهمه ۲۰۴ این روزنامه که بتاریخ ۲۳ ربیع الاول

۱۳۲۲

نوشته شد که جو را در سیجده هزار و کندم را در دست  
 هزار بفرستند اگر چه منظور امنای دولت بجهت آسودگی  
 رعایا و کل اهل دارالخلافه این بود که غله با بیضه فروخته  
 و لکن بسبب اینکه سنجو است بصاحبان انبار سخت گری  
 بشود سعی و کوشش تمام کردند که رفع معطلی خلق شده جناس  
 در دارالخلافه فراوان بشود شتر و قاطر و سایر دواب  
 با کس سحرقان و قزوین و سایر جایها که غله زیاد بود  
 فرستادند و غله فراوان حمل و نقل دارالخلافه نمودند بجناس  
 و علاف دادند که جنس زیاد باشد و از انبار دواب  
 بهم که دایم بجهت احتیاط غله نگاه میدارند فروخته و بجناس  
 کندم دادند و کار آنها را پیش انداختند و این کوشش امنای  
 دولت علیه نتیجه خوب بخشید اگر چه اجناس آن قیمت  
 کم منظور بود فروخته شد و قیمت بقاربت که در آخر  
 این روزنامه نوشته میشود و لکن هرگز جنس فراوان است  
 رفع تنگی و تسوئیس و خوف و معطلی خلق شده است و امید  
 نکلی است که روز بروز قیمت اجناس تنزل یابد

۱۳۲۴

نظر باینکه در این سنوات مستری ارباب و ظالمان  
 در مازندران خوب نبر سازند و مردم از آنچه ناراضی  
 بودند مراتب بعضی امنای دولت علیه رسیده قرار دادند  
 که از بزه استند و ما بعد با مستری ارباب و ظالمان  
 عایجه میرزا اسدالدین و زیربالتفاق و اضدع کاشته  
 مقرب انخافان عضد الملک با ارباب و ظالمان درست  
 برسانند که موجب دعا گوئی مویضین شود

### سایر ولایات

۱۱ در پایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان

نوشته بودند مقرب انخافان قایم مقام در لوارم تعزیه  
 داری مرحوم امام حمید و از اخلافه طهران کمال استقامت نمودند  
 و ختم تسکین خوب سه روز گرفته اند

دیگر نوشته اند که در بناب مرغه بکنفر نوپچی را یکی از رعایا  
 بقس رسانده بود صاحب منصبان توپخانه قائل را گرفته  
 بدست عالیجاه یکی خان ایخاننی حاکم مرغه سپرده مراد  
 بتوسط عالیجاه محمد علیخان سرینک توپخانه مقرب انخافان  
 قایم مقام عرض شد و محصل دستاورد اند که قائل را با  
 ورته مقتول بر تبریز بیاورند تا آنچه مقتضای عدالت  
 احقاق حقاقت بعمل بیاید

دیگر نوشته اند که حاجی زمان نام تاجر مشهور بار و دواب  
 رعیت این دولت علیه از آقا سرج نام ابروی مسلمان  
 مطالبه طلب میکرد و دو سه سال بود که مشارالیه در  
 ایصال طلب او ملاحظه مینمود گاهی به بست میرفت و گاهی  
 ستواری می شد در این اوقات که بیرون آمده بود حاجی زمان  
 عارض شد که طلب او را بگیرند بعد از آنکه آقا سرج را حاضر  
 کردند و استرار داده بودند که در خانه حاجی زمان با جلاب  
 این امر را بگذرانند جمعی از تجار را بهم حاجی زمان بجناس  
 گرفته و در باب طلب خود گفتگو کرده بود آخر شب بخار  
 بنازل خود مراجعت کرده و آقا سرج در منزل حاجی زمان  
 خوابیده بود و صبح فوت شده بود و ورثه او مکان  
 کرده بودند که حاجی زمان او را مقتول کرده باشد نزد  
 حکام شرع رفته درین باب مرافعه داشتند درین  
 بین حاجی زمان قسم دفات یافت

دیگر نوشته اند که مقرب انخافان قایم مقام محض مرید رعایا

بجهت ذات اندکس جایون مطالبه وجه حق الحکوم را  
از تبریز و نواحی آن موقوف کردند و احکامی که درین  
باب نوشته بودند در مطالع عام خوانده شده مردم  
اقدام به عا کولی و شکر گذاری کرده اند

دیگر نوشته اند که یک لنگه امیر پال مال حاجی عبدالرزاق  
تاجر که حاجی علی جلوه اشیرازی در قزاق ملک کرده بود  
عالیجا میرزا نصیر که خدا با شکی پیدا کرده بصاحبش تسلیم  
و قبض رسیدگی دریافت کرده است

دیگر نوشته اند که سید محمد نام مهدی قریب کیمیا بود  
که در کار و بسرای حاجی سید حسین منزل کرده بود  
وظایف اصلاح و سدادار است بود تجار کار و انرا بجهت  
رعایت جانب او یکصد تومان در میان نمود سیاهه

کرده بودند که باو بدیند ولی سید مزبوجا و صلاح  
سدا و ظاهر و سه دفعه در خفیة انجرات تجار نقد و  
سرفقت کرده بود چون کسی بکان دزدی باو نمی برد متعرض  
او نمی شدند تا نوبتی از حجره تاجری باز میشتاد امیر پال

سرفقت نموده اقا صادق دارو نموده و اورا گرفته بود  
بعضی اموال مسروق را از او استرداد و بصاحبانش تسلیم  
و بجهت مطالبه باقی اموال مسروق که تفریط کرده بود اورد  
حبس دارند

و همچنین سیدی رشتی آمده در کار و انرا می برز  
منزل کرده و گفته بود بار بر شمش دارم و در محبت است  
می آید چند روزی در آنجا مانده یکشب از حجره حاجی علی  
تاجر مرندی بقدر دویست سبصد تومان نقد و حبس  
نمود و بجا سحر رفته و بسوی خرمیه بود که فرار نماید قاضی

دارو نموده خبر شده اورا گرفته و در حبس است تا حکم او بشود

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند در تعمیر  
خواجه که خرابی بسبب رسانده بود و حسب الامر اولیا

دولت قاهره مقرر شده بود که تعمیر نمایند عالیجان  
چراغعلیخان نمایب الحکومه و میرزا زکی پیشکار اصفهان  
اتهام کرده و تعمیر نموده باسجام رسانده اند بطوریکه  
بسیار باشکوه و خوب شده است که اگر بهتر از روز  
اول نشده باشد البته مثل آن است

استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند مترب  
محمد و لیجان بیکر یکی در شهر استرآباد بوده و این وقت

بنیاد است میان کوکلان برود اگر چه ریش سفیدان  
کوکلان آمده و چند راس بپیکش کرده بوده اند  
که مشارالیه رفتن خود را موقوف نماید و لکن بنا داشته است  
که بعد از ان تمام سان فوج قدسکی که عالیجا میرزا آمدی  
شکر نویس سان انرا رومی بنید برای مطالبه مالیات  
بیان طلبه مزبوره فیه و اموات آنجا را منتظم نماید

دیگر نوشته اند که عالیجا میوه را اسمعیل خان مشغول باز  
بروج و باره شهر استرآباد و جایمانی که مترب آنجا قان  
بیکار یکی ساخته است بود بعد از فراغت از آنجا به باز  
بند کرکان رفته بود چون پل آنجا خراب بوده است  
عبور یکیش را البه را آب برده است

دیگر نوشته بودند درین اوقات محنت مست سوار  
سرفز محمد آباد آمده طفل را میخوانسته اند بکیرند اعلی

۱۳۲۵

خبردار شده است نفر سوار بر راه ترکمانان رفته  
 و بعد از دو و خور دو نفر از ترکمانان با دوسر  
 دست آمده باقی فرار کرده اند و آن دو نفر ترکمان را  
 با سز آباد بنزد مقرب انخافان بگزیکی آورده اند  
 در حبس دارد

دارالمرزها زندان

از فراری که در روزنامه اتولایت نوشته اند امورات  
 این اوقات از حسن اتهامات نواب احمد میرزا حکمران  
 و عالیجاه میرزا اسد الله وزیر انتظامی کامل وارد و از آن  
 بعراض و مطالب مردم رسیدگی میشود اما لی آنجا کمال  
 رضامندی و شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که نواب احمد میرزا و عالیجاه میرزا  
 اسد الله در انتظام امر چاهار خانهای آنجا اهتمام نموده و  
 قرار گذاشته اند که هر کدام خرابی داشته باشد تعمیر نمایند و در  
 کار تعمیر میباشند و سایر لوازمات چاهار خانها را  
 نیز از هر جهت منظم و مضبوط دارند که برای چاهار  
 هیچگونه معطلی نبوده باشد

گردستان

از فراری که در روزنامه گردستان نوشته اند در  
 دو روز هم ماه گذشته صفر عالیشان رضا یک نایب توکلی  
 که از جانب اولیای دولت قاهره مامور بخدمت گرد  
 بود با توپچیان ابو ایمن خود بان مقرب انخافان و  
 رسیده همگی در کمال استیقامت و انتظام سان داده  
 و مقرب انخافان مشارالیه از جانب اولیای دولت  
 علی آنها را مورد التفات نموده و هر روز در میدان

دارالایالات مشغول مشی میباشند و با کمال نظم حرکت میکنند  
 دیگر نوشته اند که یک نفر از نوکرهای عالیجاه نجفعلی خان که  
 از جانب والی حاکم جوانز و دست بجهت تحصیل مالیات  
 بدست آن سرحد میرفته است در بین راه بگریس اسب  
 عربی بسیار خوب دیده بود که بی صاحب بجز مشغول است  
 اسب را گرفته و صاحب آنرا هر چه شخص کرده نیافته بود  
 بنزد عالیجاه نجفعلی خان برده بعد از تفحص زیاد معلوم شد  
 که اسب مذکور مال جناب آقا عبد الله محمد کرمانشاهی میباشد  
 که از دست آدم او گرفته بجا که در دستان آمده است  
 اسب را با بعضی تعاریفات از خود مصحوب آدم خود بنزد جناب  
 آقا عبد الله فرستاده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه سرز اتقی فریباشی جناب جلالت  
 اشرف افخم صدر عظیم که مامور بگرفتن اشرفیاری و ستم  
 در نهایت معقولیت خدمات خود را با انجام رسانده است  
 بطوریکه اتولایت کمال رضامندی از حسن سلوک و  
 اوده داشته اند و فرایشان ابو ایمنی او هم ملاحظه نظم و معقولیت او  
 جرت ارتکاب خلاف و نهایند داشته اند درین  
 ماموریت مشارالیه یک نفر از فرایشان جمعی اولی اذن  
 بهمانی تاجری رفت و در تکب شرب شده بوده است  
 صبح که مشارالیه مطلع شده فرایش را تا و یک کمال  
 نموده تا جبراً هم مانعت از همان بدون بی اجازت  
 کرده است که در آینده خلاف لفظی واقع نشود

دیگر نوشته اند که بعضی املاک گردستان به وزارت مالیه بیرون  
 بوده اند مقرب انخافان الی حکمی صادر کرده که بنصف مالک بیرون  
 باشد و در نظر خاص

۱۳۲۶

### اخبار دول خارج

انگلیس از قرار روزنامه این ولایت که نوشته اند  
از علیا حضرت پادشاه انگلیس حکم شده بود که بتاریخ  
دوازدهم ماه دسامبر انگلیس که مطابق سنه ۱۸۲۱  
سیح الاول است این دستورخانه در پای تخت جمع  
شوند بجهت قرار امور دولتی اکثر سالها قاعد این بود که بگاه  
از رشتان گذشته این دستورخانه جمع میشد اصلا زودتر  
از سالهای گذشته بحکم جمع شده اند معلوم است که  
بجهت امور عمده و دولتی خواهد بود

غله در مملکت انگلیس قری ترقی داشت و سبب این  
میدانند که در سه ماهه پانزدهم خارج بانولایت غله کم آرد  
بودند و در تابستان غله در ولایت انگلیس تنزل داشت  
اینهم چندین سبب داشت یکی این بود که حاصل ولایت  
انگلیس بسیار زیاد آمد بود که بچگونگی آنست که حاصل  
باین فراوانی در انولایت بعین آمده باشد و چونکه در زمان  
خارج که غله از آنجا می آوردند قیمتش گران بود بولایت  
انگلیس آوردن منفعت نمیکرد از آنجهت غله بجای دیگر فرستاد  
فرستاد از یکی دینا و پر و ستم و مصر و اسپانیول که  
جای غله خیرند و دایم الاوقات در ولایت انگلیس در بیکاری  
که غله کم یاب باشد از آنجا غله میفرستند درین سه ماه  
هیچ غله نرسناده بودند و در خود ولایت انگلیس نزدیک  
سخر واری یک توپان ترقی داشت و خرواری شست توپان  
میفرستند حال که غله آورده اند و منفعت میکند و گشیهما  
زیاد دارند و حمل و نقل غله اشکال ندارد معلوم است که در  
انکه مدت غله زیاد با آنجا خواهند آورد و در اکثر جاهای

فرنگستان حاصل سال گذشته بسیار فراوان است  
زارعین در عابای انگلیس اسال منفعت زیاد کرده اند بجهت  
اینکه حاصل خودشان چنانچه نوشته شده اسال خیلی زیاد  
آمده بود و پیش نسبت بهای پیش زیاد بود معلوم است  
آنجا که تا بحال غله زیاد نگاه داشته اند و باین قیمت گران  
میفرستند منفعت زیاد خواهند کرد

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که بنا بود  
اوقات علیحضرت امپراطور فرانس با روجش بدین  
علیا حضرت پادشاه انگلیس می آیند و مردم از این خبر بسیار  
خوشند و مشغوف اند از آنرا که علامت دوستی و یگانگی  
دولتین است و اهل انگلیس بسیار خیر خواه امپراطور  
فرانسند از آنرا که سلطنت او باعث نظم انولایت  
شده است و نظم با اقتداس در مملکت فرانس دایم  
باید مالک سرایت می کند

### فرانس

تا ریح کاغذ آخر که ازین ولایت رسید ما ریح الاول  
درست جنوب مملکت فرانس بکمان اقتداس  
داشتند و چند نفر بجهت تحقیق گرفته و مجوس کرده بودند  
بعد معلوم شد که اصل داشت و همه را مرضی کردند  
این اشخاص بعضی جا کران دیوان بودند باز هر یک در کار  
خود برقرار شدند علیحضرت امپراطور فرانس در پای تخت  
پاریس بودند و نهاد استند رشتان را در عمارت  
تولیریز بمانند لار دپارسیس وزیر داخله مملکت انگلیس  
پاریس آمده و بنسبتهای محبت و التفات از علیحضرت  
امپراطور دیده بود در شهر پاریس باز مشغول تعمیر و ارباب